



## ردپای آفت‌کش‌ها در میوه و سبزیجات

۱۴



گفت‌وگویی جام‌جم با هنرمندی که هنر چند هزار ساله چاقوسازی زنجان را جهانی کرد

## این چاقو، لطیف است

۱۶



## هوش مصنوعی در صدر فناوری‌های ۲۰۱۹

۱۵



# زندگی

سه‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۷ شماره ۵۳۱۲

# جام‌جم



حق با شماست

info@jamejonline.ir  
روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

### #پل‌هوایی-نیست

خزایی از تهران:

به علت رفت آمد زیاد عابرنان در روبه‌روی متروی نیرو هوایی، حرکت خودروها با کندی صورت می‌گیرد و باعث ترافیک می‌شود. چرا مسوولان شهری اقدامی بابت ساخت پل هوایی یا زیرگذر صورت نمی‌دهند.

### #ترافیک-پیروزی

شوقی از تهران:

به دلیل ترافیک و کندی تردد خیابان دهم فروردین واقع در پیروزی در صورت امکان این خیابان یکطرفه شود تا دیگر شاهد ترافیک نباشیم.

### #عایق-صوتی

قندی از تهران:

از شهرداری محترم برای چندمین بار درخواست نصب عایق صوتی در پل خاقانی واقع در خیابان دامادان را دارم؛ چرا که سروصدای خودروها باعث سلب آسایش شهروندان می‌شود.

### #بسته-حمایتی

صباغ از ارومیه:

بسته حمایتی دولت فقط به نیمی از کارگران رسید، این در حالی است که دولت به تمام کارمندان و بازنشستگان خود این بسته حمایتی را تحویل داد.

### #کارگر-روزمزد

ملکی از سمنان:

کارگران روزمزد و فصلی چرا مشمول بسته حمایتی دولت نیستند. این در حالی است که درآمد مالی ماهانه این افراد بسیار ناچیز است.

### #کار-فرهنگی

نوری از کرج:

قسمتی از منزل ما به توزیع کتاب رایگان یا همان (صلواتی) در اختیار دوستداران کتاب قرار داده بودم ولی شهرداری منطقه دو کرج تمامی کتاب‌ها را جمع کرده و مانع این کار فرهنگی بنده است.

### #عوارض-مالیات

صفری از کرمسار:

بیش از نیمی از مبالغ فیش‌های قبوض انرژی مختص به مالیات، عوارض و... است که به اجبار مردم باید پرداخت کنند.

### #جوی-حادثه

عاشوری از تهران:

به علت عریض بودن جوی آب در تقاطع خیابان انیسی به خیابان دامادان و نبود روگذر برای عبور عابرنان تاکنون چند حادثه ناگوار رخ داده است و امیدوارم شهرداری این منطقه اقدامی بابت حل این مشکل کند.

### #کمبود-تاکسی

معدن نژاد از تهران:

تعداد تاکسی‌های کلاهدوز به افسریه روبه‌روی متروی کلاهدوز بسیار کم است و باید دقایق زیادی را به انتظار این تاکسی‌ها بپردازیم.

اورژانس اجتماعی سال‌هاست در زیرمجموعه

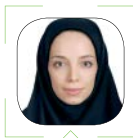
بهریستی برای کمک به موارد کودک آزاری، همسرآزاری، خشونت خانگی و... راه‌اندازی شده است. مددکاران و روان‌شناسانی که در این مجموعه کار می‌کنند، تمام روزهایشان را درگیر پرونده‌هایی هستند که گاهی قصه زندگی‌شان بیشتر شبیه فیلم‌های سینمایی است تا واقعیت. هدی فرح‌پور، کارشناس ارشد مطالعات زنان، مدتی است علاوه بر پرونده‌های روزانه، با زبانی همراه شده که ایرانی نیستند و به دلایل مشابه نیاز به کمک دارند.

«علاقه به حوزه مددکاری زمانی در من شکل گرفت که به عنوان مربی کارم را با کودکان و نوجوانان آغاز کردم. بعد از مدتی با سازمان‌های مردم‌نهادی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعال هستند، همراه شدم و به این ترتیب پایم به بهیستی و فعالیت‌های اجتماعی باز شد. دو سال و نیم هم در کرسی صلح دموکراسی حقوق بشر یونسکو مستقر در دانشگاه شهید بهشتی فعالیت داشتم.»

این يك معرفی کوتاه از مددکاری است که در حال حاضر حدود شش سال است در حوزه آسیب‌های اجتماعی سازمان بهیستی کار می‌کند. او با خواندن کتاب «دشمن عزیز» که به نوعی جلد دوم جودی آیوت به شمار می‌آید به رشته مددکاری علاقه‌مند شد. فرح‌پور هم می‌خواست مانند دوست جودی آیوت که در پرورشگاه بزرگ شده بود و بعد از سال‌ها با به‌عهده گرفتن مدیریت آن توانست در زندگی بچه‌های پرورشگاه تغییر ایجاد کند، یک فرد تاثیرگذار باشد. «وقتی این کتاب را خواندم، فهمیدم آدم‌ها چقدر می‌توانند زندگی دیگران را تغییر دهند. دلم می‌خواست من هم چنین کاری انجام دهم.»

### سهولت دریافت پاسپورت ایرانی

اتفاقی که این روزها زیاد برای این کارشناس رخ می‌دهد، همراهی او با زنان اتباع بیگانه است که به واسطه ازدواج با مردان ایرانی، تابعیت ایرانی گرفته‌اند. آنها معمولاً بعد از مشکلاتی که برایشان پیش می‌آید، درگیر مسائل سختی می‌شوند. «من در حال حاضر مدتی است در مرکز زنان خشونت دیده و در معرض خشونت کار می‌کنم. ما با زنانی روبه‌رو هستیم که در يك کشور سومی با همسرشان آشنا شده‌اند. مثلاً خانمی تبعه آمریکای جنوبی است و با مردی ایرانی در يك کشور سوم که عموماً زاین است آشنا شده، ازدواج کرده و وارد ایران شده‌اند.»



میترا شاری

جامعه

خانمی که تبعه زاین است، زنی که اهل سوماتی است و دیگری که اهل کلمبیا است، نمونه‌هایی از زنان اتباع بیگانه هستند که این روزها برای جدایی از همسر ایرانی خود و بازگشت به کشورشان دچار مشکلات زیادی شده‌اند به همین دلیل مددکاری ویژه رسیدگی به پرونده‌های آنها را دنبال می‌کند. مددکاری که می‌گوید مشکلاتی که برخی خانم‌های اتباع بیگانه پس از ازدواج با مردان ایرانی ایجاد می‌کنند، نه فقط خودشان بلکه خیلی‌ها را به دردسر می‌اندازد. آن‌طور که او می‌گوید دلیل اصلی بروز چنین مشکلاتی این است که برخلاف سایر کشورها تابعیت ایرانی به آسانی به افراد داده می‌شود.

براساس قوانین ایران، زمانی که زنی به عقد مرد ایرانی درمی‌آید به سرعت برای او شناسنامه، کارت ملی و پاسپورت ایرانی صادر می‌شود. آن‌طور که او می‌گوید، این که اسناد هویتی برای این افراد به سرعت صادر می‌شود خیلی خوب است، اما گاهی اوقات این سادگی مشکل ایجاد می‌کند. دولت این مسأله را رصد نمی‌کند که مردی که با این خانم ازدواج کرده و او را به ایران آورده، آیا توانایی مراقبت از همسرش را دارد یا نه. آیا از نظر روحی، عقلی برای ازدواج با این زن مناسب است؟ اما به جای پاسخ به این سوالات، متأسفانه صرف این که این دو با هم ازدواج کرده‌اند، خانم تابعیت ایرانی می‌گیرد.

بعد از گذراندن دوران شیرین ماه عسل تازه اختلاف‌ها شروع می‌شود. در نگاه اول شاید در تمام زندگی‌ها این مسأله طبیعی باشد، اما برای دو نفر که از دو فرهنگ مختلف هستند و زبان هم را به خوبی نمی‌فهمند، داستان به‌شدت پیچیده است؛ «این زن‌ها که تصمیم به ازدواج با فرد ایرانی می‌گیرند، معمولاً از قشر آسیب‌پذیر یا آسیب‌دیده در کشور خودشان هستند. آنها با پس‌زمینه ذهنی‌ای که در خصوص ازدواج و حمایت از سوی همسر دارند، وارد ایران می‌شوند، اما پس از مدتی کوتاهی

اختلافات فرهنگی، مالی به وجود می‌آید.» ماجرا از جایی خطرناک می‌شود که آنها نمی‌توانند به‌خوبی از عهده مسؤولیت‌هایشان برآیند و به همین دلیل دچار آسیب می‌شوند. این آسیب‌ها گاهی به شکل خشونت خودش را نشان می‌دهد و گاهی به طلاق و رها شدن در جامعه منجر می‌شود که هر دوی این مسائل به این افراد آسیب می‌رساند.

### تفاوت فرهنگ‌ها

باتوان اتباع بیگانه‌ای که با مردان ایرانی ازدواج می‌کنند با فرهنگی که در کشور خودشان وجود داشته به زندگی نگاه می‌کنند، در حالی که معمولاً برایشان ماجرا این‌طور پیش نمی‌رود؛ «آنها فکر می‌کنند می‌توانند به راحتی زندگی‌شان را ترک کنند و همراه بچه‌های خودشان به کشورشان برگردند، در حالی که تمام این مسائل با قوانین ما سازگار متفاوتی دارد.»

فرح‌پور خاطره‌ای از این وضعیت دارد که گواه حرف‌هایش است؛ «مثلاً خانمی که تبعه ایران نبوده می‌خواست طلاق بگیرد، برایش وکیل گرفتیم، مدت‌ها دنبال کارش بودیم، خودش هم با به پای ما می‌دوید، اما در نهایت مشخص شد باید دو تا از بچه‌هایش را ایران بگذارند و با فرزند کوچکش راهی کشور خودش شود.»

آن‌طور که خانم مددکار توضیح می‌دهد زمانی که این خانم‌ها تصمیم می‌گیرند برای رفع مشکلات‌شان به کلاتری و سازمان‌های مختلف مراجعه کنند تا از آنها کمک بگیرند، تازه متوجه می‌شوند اطلاعاتی درباره قوانین ما ندارند، چون خیلی اوقات این خانم‌ها حتی فارسی را خوب نمی‌دانند. او ادامه داد: «يك خانمی که ما

## مددکاری که کارش رسیدگی به پرونده بانوان اتباع بیگانه است، از مشکلات این افراد و درگیر شدن با طلاق و آسیب‌های اجتماعی می‌گوید

# اندوه‌اتباع بیگانه بودن...



جدید با او رو به رو شدیم. یکسری مدارک فارسی به من داد و گفت نمی‌دانم اینها چیست. مدارک را که دیدم متوجه شدم يك دادنامه طلاق است بر اساس آن این زن همه چیز را بذل کرده است. او نمی‌دانست معنی چیزهایی که روی آن برگه نوشته شده چیست؟»

### سختی‌های رفتن

متأسفانه موارد این چنین در این روزها کمی بیشتر از قبل شده است. این کارشناس می‌گوید: «مسأله دیگر این که وقتی این زن‌ها تابعیت ایران را می‌گیرند، فرستادن آنها به کشور خودشان سخت می‌شود، چون به واسطه آن تبعه ایرانی به حساب می‌آیند و نمی‌توان مانند دیگر افراد خارجی به سادگی آنها را به کشور خودشان بازگرداند.»

به نظر من اگر تابعیت سخت‌تر صادر شود، شاید مشکلات این چنین نیز کمتر پیش بیاید. مصور تابعیت سریع زن‌هایی که به عقد مردان ایرانی درمی‌آیند، در حالی صورت می‌گیرد که ما تا همین چند وقت قبل، برای دریافت شناسنامه بچه‌هایی که پدر غیرایرانی داشتند، هزار مشکل داشتیم و باید مراحل زیادی را پشت سر می‌گذاشتیم. در حالی که روی این مسأله مهم که آیا مردی که درگیر مشکلاتی شده‌اند، خانمی که اهل خودش آورده، توانایی تشکیل زندگی و ادامه آن را دارد یا نه نظارتی انجام نمی‌شود.»

فرح‌پور این روزها درگیر پرونده سه زن تبعه بیگانه است؛ «یکی اهل سوماتی، یکی بولیوی و دیگری کلمبیا. یکی از این خانم‌ها در دبی و دو نفر دیگر در زاین با همسران ایرانی ازدواج کرده‌اند. هر کدام از این زن‌ها درگیر مشکلاتی شده‌اند. خانمی که اهل سوماتی است قصد دارد طلاق بگیرد و به کشور خودش بازگردد، اما چون سوماتی در ایران سفارت ندارد، برای کمک به او مشکلات زیادی داریم.» آن‌طور که خانم مددکار می‌گوید هر سه شوهر این زنان درگیر اعتیاد هستند و حتی دو نفر از خانم‌ها نیز اعتیاد دارند. یعنی يك فرد معتاد در کشور دیگری، مسؤولیت زندگی يك زن معتاد را که اهل کشور دیگری است به‌عهده گرفته و او را وارد کشور ما کرده است. برای اعطای تابعیت از این افراد تست سلامت گرفته نمی‌شود، این در حالی است که اگر ما بخواهیم تبعه کشور دیگری شویم باید تست سلامت بیماری‌های جسمانی هم بدهیم، چه برسد به بیماری‌های روانی یا مسائلی مانند اعتیاد.

فرح‌پور می‌گوید اگر ما هم مانند کشورهای دیگری کمی مهم‌تر از جدی بگیریم و برای ازدواج شرایط خاص و مهم‌رأصده کنیم و بر مبنای آن تصمیم بگیریم، مشکلات این‌گونه از بین می‌رود. حضور زنان خارجی در ایران و رها شدن آنها در کشور می‌تواند اتفاقات تلخ و گاهی جبران‌ناپذیری را رقم بزند. ✎

## اطلاعات شما نزد ۱۳۳ محفوظ است

یکی از مواردی که باعث می‌شود برخی افراد از گزارش خشونت، کودک‌آزاری، سالمند‌آزاری، معلول‌آزاری، همسر‌آزاری و خودکشی بفرجه بروند، این است که فکر می‌کنند شاید اطلاعات آنها لو برود و همین ترس که البته منطقی هم هست، گاهی اوقات باعث می‌شود خیلی از آزارها و خشونت‌ها سر به مهر باقی بماند. هدی فرح‌پور به عنوان کسی که سال‌ها در اورژانس اجتماعی فعال است، در این خصوص می‌گوید: زمانی که فردی برای گزارش يك حادثه با اورژانس اجتماعی تماس می‌گیرد، معمولاً کارشناس از او اطلاعات هویت و تماس می‌گیرد. همین مسأله گاهی فرد را از ادامه گزارش متصرف می‌کند. شهروندان بهتر است بدانند اطلاعاتی که از فرد پشت خط گرفته می‌شود صرفاً به این دلیل است که اگر کارشناسان در روند رسیدگی به پرونده احتیاج به کمک بیشتری داشته باشند، بتوانند از آن استفاده کنند.

این اطلاعات به هیچ‌عنوان در اختیار کسی قرار نمی‌گیرد، حتی اگر فرد برای دریافت این اطلاعات به مراجع قضایی شکایت کند. این يك وظیفه انسانی است؛ چون این خط به کسانی خدمات می‌دهد که خودشان به دلیل کودک بودن، به‌دلیل ناتوان و ضعیف بودن در مقابل ظلم، عاجز هستند. البته به‌تازگی در خصوص کودک‌آزاری قانونی تصویب شده که افراد را ملزم به گزارش دادن هر نوع از کودک‌آزاری می‌کند. یعنی از حالت يك وظیفه انسانی بیرون آمده و وظیفه قانونی هر فرد است.

## تلخ و شیرین مددکاری

مددکاران خاطرات زیادی دارند که معمولاً تلخی آنها به شیرینی‌اش می‌چربد. فرح‌پور خاطره‌ای دارد که مربوط به چند سال قبل است. خاطره‌ای که به او یاد داد و براساس آن باید تأکید کرد برای کمک کردن به فردی که به استیصال رسیده، حتی نباید يك دقیقه را از دست داد: «اتفاقات تلخ زیادی برای مددکاران رخ می‌دهد. یکی از اتفاقاتی که من و همکارانم شاهد آن بودیم، برمی‌گردد به چند سال قبل، زمانی که در يك مرکز خدمات مددکاری کار می‌کردم. آن زمان پسری با حال اسفناکی وارد مجموعه ما شد. بدنش به دلیل مصرف کراک زخم‌های عمیق داشت و بوی بسیار بدی می‌داد. ساعت اداری تقریباً تمام شده بود. او آمد و توضیح داد که مدتی است درگیر اعتیاد شده و گفت دیگر خسته است و قصد دارد اعتیادش را ترک کند. او گفت دیگر نمی‌تواند زندگی‌اش را به این شکل ادامه دهد. با توجه به این که ساعت اداری تمام شده بود به او گفتیم برو و در اولین روز کاری به ما سر بزن تا به مشکلاتش رسیدگی کنیم. آن پسر رفت و چند دقیقه بعد دیدیم بچه‌هایی که از مدرسه تعطیل شده‌اند با رنگ پریده و حال نزار مشغول آمدن به داخل مجموعه هستند.



دلیل حال بدشان را پرسیدم، گفتند يك نفر جلوی در مرده و آدم‌ها دورش جمع شده‌اند. رقتم بینم ماجرا چیست. متأسفانه دیدم همان پسر جلوی در ورودی ما فوفت کرده و روی زمین افتاده بود. همان موقع فهمیدم وقتی يك نفر با آن میزان از عجز می‌آید و می‌گوید دیگر نمی‌توانم زندگی کنم، چقدر حرف‌هایش واقعیت دارد و باید به سرعت به او کمک کرد.» فرح‌پور می‌گوید به اندازه تمام خاطرات بد، خاطرات خوب هم در زندگی مددکاران وجود دارد. به خصوص زمانی که با کودکان و نوجوانان کار می‌کنند و آن‌قدر بعضی وقت‌ها این کار لذتبخش می‌شود و آدم کیف می‌کند که حد ندارد. خاطرات خوب ما مددکاران به لحظه‌هایی است که شکل می‌گیرد؛ لحظه‌ای که بچه محروم از تحصیل برای اولین بار ماد و خودکار به دست وارد مدرسه می‌شود، لحظه‌ای که يك زندگی از هم‌گسسته درآستانه طلاق به هم جوش می‌خورد و مسیر برای ادامه‌اش هموار می‌شود. لحظه‌ای که کودک درگیر اعتیاد را از بیمارستان مرخص می‌کنیم و می‌بینیم که رنگ به رخسارش آمده و با همه مشکلاتی که دارد شاید در آینده زندگی‌اش عوض شود.

اگر بخواهم به شکل کلی بگویم، ۸۰ درصد از جوانان و نوجوانانی که تا الان با آنها کار کرده‌ام آدم‌های نرمالی شده‌اند، در سطح معمولی جامعه زندگی می‌کنند و درگیر آسیب‌ها نشدند و حالشان خوب است. همین مسأله من را خیلی خوشحال می‌کند. ✎